

منافع آموزش و پرورش

نام نویسنده: نرگس عبدالهی ،رسول داودی

چکیده

آموزش و پرورش از گذشته تا حال به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی اثرگذار در تحقق اهداف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نقش مؤثری ایفا کرده است. یکی از اهداف رسمی و اساسی آموزش و پرورش آماده کردن افراد برای زندگی آینده از طریق یادگیری مؤثر و مفید است. در این روزگار که فناوری اطلاعات و گسترش و پیشرفته شدن صنایع و ماشین آلات به سرعت در جریان است، نیاز است تا شیوه‌های آموزشی با نیازهای جامعه هماهنگ شوند. آموزش و پرورش باید مسئولیت‌های اقتصادی و اجتماعی بیشتری را به عهده گیرد. سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش به رفع بحران‌های اقتصادی و اجتماعی کمک شایانی می‌کند. آموزش و پرورش و اقتصاد به یکدیگر وابسته و پیوسته‌اند. هر اندازه میزان درآمد ملی کشور بیشتر و کشور از لحاظ اقتصادی قوی‌تر باشد، می‌تواند به آموزش و پرورش منابع و بودجه‌ی بیشتری تخصیص دهد. در نتیجه توسعه‌ی اقتصادی موجب توسعه‌ی نیروی انسانی، افزایش بهره‌وری نیروی کار، گسترش اختراعات و ابداعات می‌شود که محصول سطوح متفاوت آموزش و پرورش هستند. هر اندازه که سطح آموزش و پرورش کشور بالاتر رود باعث می‌شود تا میزان دانسته‌ها و مهارت‌ها و منابع انسانی کارآمد افزایش یابد. این افزایش آگاهی و فنون موجب افزایش بهره‌وری افراد می‌شود و رشد اقتصاد کشور را تسریع خواهد کرد.

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش، منافع آموزش و پرورش، اقتصاد آموزش و پرورش، منافع اقتصادی، منافع غیراقتصادی.

مقدمه

آموزش و پرورش در تمامی اشکالش به عنوان پیش شرط ضروری در برنامه‌های توسعه محسوب می‌شود و نقش غیر قابل انکاری را در تسهیل برنامه‌های توسعه ایفا می‌نماید. آموزش و پرورش از طریق تحولاتی که در رفتار فردی به وجود می‌آورد، در پویایی و رشد فرهنگ جوامع مختلف تأثیر بسزایی می‌گذارد. در حقیقت میزان مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی که در تحول یک جامعه نقش اساسی دارند، وابسته به سطح آموزش و پرورش آن‌ها است. افزون بر این، آموزش و پرورش ارزش‌های دیگری همچون نظم و انضباط، تعهد و پاسخ‌گویی و احساس مسئولیت را در افراد ایجاد و تقویت می‌کند. آموزش و پرورش نه تنها مردم را تواناتر و قدرت تولید آن‌ها را افزون‌تر می‌کند، بلکه در کاهش نابرابری‌های اقتصادی هم نقش حساسی دارد. تعاریف متعددی از آموزش و پرورش ارائه شده است که امکان دسترسی به یک تعریف قابل قبول همگان را دشوار می‌سازد [۱]. بنابراین ساده‌تر از همه آن است که بگوییم آموزش و پرورش "فرایندی نظام‌دار است که به قصد رشد انسان به تولید دانش می‌پردازد". هدف اصلی آموزش و پرورش راه انداختن یک جریان منطقی یادگیری-یاددهی، فراهم ساختن زمینه‌های مناسب برای غنی ساختن تجربه‌های تربیتی و فردی و در نهایت، رشد نسبی انسان است [۲].

آموزش و پرورش به عنوان شاخص سرمایه انسانی یکی از مهمترین عوامل رشد اقتصادی در هر کشوری است. زیرا که سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش موثرترین راه پرورش نیروی انسانی ماهر و کارآمد است. بنابراین اهمیت سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش بسیار بالا بوده و می‌تواند نقش بسزایی در رشد اقتصادی کشور و افزایش سطح رفاه جامعه داشته باشد [۳]. سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و تربیت نیروی انسانی یک سرمایه‌گذاری بلند مدت محسوب می‌شود و از جنبه‌های زیادی سود آور است؛ زیرا تا زمان بهره‌برداری، مدت زمان زیادی لازم است. از نظر اقتصادی، زمانی که آموزش و پرورش پس از طی یک دوره‌ی طولانی آموزشی یک صنعت کار یا یک مخترع عالی تحویل جامعه می‌دهد، تمامی هزینه‌های صورت گرفته به منظور تربیت نیروی انسانی جبران می‌شود. در واقع، نوآوری موجب توسعه‌ی اقتصادی می‌شود. هرچه نوآوری‌ها بیشتر، آهنگ رشد اقتصادی جامعه بیشتر و هرچه رشد اقتصادی بیشتر شود، منابع و امکانات بیشتری به نظام آموزشی و مدارس تخصیص می‌یابد و باز این منابع در جهت تربیت نیروی انسانی کارآمد به کار گرفته خواهند شد و این چرخه به همین صورت ادامه می‌یابد. لذا تقویت و ترویج فرهنگ و روحیه‌ی پژوهشی در میان افراد جامعه خصوصاً جوانان موجبات کشفیات علمی را در زمینه‌های صنعتی، پزشکی، آموزشی و... بیش از پیش فراهم می‌آورد و در نهایت به رشد اقتصادی می‌انجامد. جامعه‌ای که به لحاظ اقتصادی بنیه‌ای مستحکم دارد می‌تواند با جذب بهترین معلمان و خرید بهترین تجهیزات برای نظام آموزشی و مدارس خود به آموزش هر چه بیشتر و بهتر آینده‌سازان و نسل فردای خود امیدوار باشد. اقتصاد و آموزش و پرورش دو رکن اساسی هر دولتی هستند و بی توجهی به آن‌ها عواقب و فجایی جبران‌ناپذیر به بار خواهد آورد که آثار آن تا سال‌های سال ادامه خواهد داشت [۴].

سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی دارای دو نوع بازده می‌باشد: بازده پولی یا درآمدی، و بازده غیرپولی یا غیردرآمدی. پژوهش‌های تجربی نشان داده افرادی که از تحصیلات بالاتری برخوردارند، در شرایط متعارف، درآمد بیشتری کسب می‌نمایند. بازده غیرپولی و غیردرآمدی سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش اگرچه به سختی قابل اندازه‌گیری می‌باشند لیکن از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند [۵].

بیان مساله

در دهه ۱۹۶۰ افرادی مانند بکر^۱ [۶]، شولتز و مینسر^۲ (۱۹۷۰) در مطالعات خود نشان دادند که آموزش، از طریق دستمزد نیروی کار، بر روی رشد اقتصادی اثر می‌گذارد؛ به عبارت دیگر، آموزش نیروی کار به شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی که منجر به بهبود اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود، زمینه ساز سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در کشور می‌باشد. این نیروی کار آموزش دیده و متخصص به لحاظ اجتماعی بسیار محترم شمرده شده و دستمزد بالاتر و آینده‌ی شغلی باثبات‌تری خواهند داشت. همچنین باید خاطرنشان ساخت سرمایه‌گذاری بیشتر در آموزش، روند افزایش بهره‌وری را تسهیل می‌کند، چرا که سرمایه انسانی یکی از کلیدی‌ترین اجزای ارتقای بهره‌وری - که به نوبه خود منجر به رشد اقتصادی بالاتر می‌شود - می‌باشد (لوکاس^۳، ۱۹۸۸؛ رومر^۴ [۷]). برای اولین بار آدام اسمیت (۱۹۶۱) در اثر مشهور خود با عنوان "ثروت ملل"، بر نقش آموزش و اهمیتی که سرمایه‌گذاری در این خصوص بر رشد اقتصادی دارد تأکید کرد. در تفکرات اسمیت، مهارت‌های توسعه یافته نیروی کار، به‌منزله یک ابزار سرمایه‌ای، موجب ارتقاء سطح بهره‌وری تولید می‌شود. افراد متخصص از توانایی تولید بیشتری نسبت به دیگران برخوردارند و در فرایند تولید خالق ارزش‌های بیشتری می‌باشند. همچنین مطالعات نظری، رومر [۷] و سولو^۵ [۸]، با رویکردی متفاوت از الگوی رشد سولو و سون، سرمایه انسانی را به عنوان یک متغیر درونزا وارد الگوهای

1 Bcker
2 Shultz and Mincer
3 Lucas
4 Romer
5 Solow

رشد کردند. پژوهش‌گران، بر نقش آموزش در ارتقای قابلیت نوآوری (ایده‌های جدید، محصولات جدید و فن‌آوریهای جدید) افراد و نیز سازگاری با فن‌آوریهای جدید به منظور سرعت بخشیدن به توسعه تکنولوژیک تأکید کردند.

بی‌گمان یکی از مهمترین دستاوردهای پژوهش و نظریه پردازی علمی در قرن گذشته، تأکید فزاینده بر جایگاه و نقش آموزش و پرورش در فرآیند توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها است. محققان و نظریه‌پردازان بسیاری در آثار خود، تأثیر تلاش‌های بشری در حوزه آموزش و پرورش را بر رفاه، سعادت، بهزیستی و ارتقای سطح زندگی مردمان جوامع مختلف به تصویر کشیده‌اند. حمایت گسترده صاحب نظران حوزه‌های تعلیم و تربیت و توسعه از فعالیت‌های آموزشی و پرورشی سبب شده است تا امروزه کمتر کسی در خصوص اهمیت و جایگاه نظام تعلیم و تربیت بر توسعه کشورها تردیدی به خود راه دهد [۹]. مهارت‌ها و دانش در یک فرد به عنوان سرمایه انسانی تلقی می‌شود. تمام انسان‌ها دارای اندازه معینی از سرمایه انسانی هستند و این سطح سرمایه انسانی به صورت عمده متأثر از آموزش و تربیت است. هرچند که سابقه رفتار انسان در خصوص تخصیص منابع به آموزش جهت کسب دانش و مهارت (باروری و شکوفایی اندیشه) به قرن‌ها قبل برمی‌گردد اما مطالعه نظام‌مند این رفتار به دوره‌ای کمتر از پنجاه سال محدود می‌شود؛ یعنی زمانی که اقتصاددانان برای کشف علل متفاوت بودن رشد اقتصادی در زمان‌ها و بین کشورهای مختلف، متوجه عامل "آموزش" شدند که در نتیجه این توجهات، شاخه‌ای از علوم تحت عنوان علم اقتصاد آموزش در سال ۱۹۶۰ میلادی بنیان نهاده شد [۱۰].

یکی از اهداف عمده آموزش افزایش رشد اقتصادی جامعه از طریق بهبود کارایی نیروی انسانی است. مفهوم سرمایه انسانی محور بسیاری از تحقیقات در اقتصاد آموزش و پرورش است. این مفهوم در سایر شاخه‌های اقتصاد نیز که در مواردی با اقتصاد آموزش و پرورش وجه اشتراک دارند مطرح بوده است [۲]. طرفداران نظریه سرمایه انسانی معتقد بودند که آموزش سبب ارتقاء کیفیت عامل انسانی و لذا افزایش بهره‌وری افراد می‌شود. به عبارت دیگر، زمانیکه سطح آموزش نیروی کار یک کشور ارتقاء یابد، انتظار می‌رود بهره‌وری نیروی کار و به تبع آن رشد اقتصادی آن کشور نیز افزایش یابد [۱۰]. جوهره نظریه سرمایه انسانی بر این پندار قرار گرفته است که مردم وقت و منابع خود را در طرق مختلفی، نه فقط برای لذت بردن از حال، بلکه برای دستیابی به بازده‌های پولی و غیر پولی در آینده به کار می‌گیرند یعنی اینکه آن‌ها ممکن است در حال، نسبت به انجام هزینه‌های بیشتر در امور بهداشتی و با دستیابی به سطح آموزش‌ها بیشتر اقدام کنند تا بتوانند آینده بهتری را برای خود به ارمغان آورند. در نظریه سرمایه انسانی، نقش آموزش در توسعه اقتصادی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. آموزش و پرورش از مهمترین نهادهای هر کشور محسوب می‌گردد؛ چرا که امر خطیر جامعه‌پذیر کردن نسل آینده بر عهده این نهاد می‌باشد و توجه به آموزش و پرورش در دید کلان یعنی مورد توجه قرار دادن امنیت ملی آینده کشور. مساله آموزش نیروی انسانی، از دیرباز، یعنی سال‌های ۱۷۷۶ میلادی، با نظریات آدام اسمیت مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفت، اما دویست سال طول کشید تا زیربنای اقتصاد آموزش، به شکلی که امروز مورد نظر است، در کتب درسی مورد توجه قرار گیرد [۹]. بزرگترین نهاد و وزارتخانه‌ی دولتی در کشور ایران، آموزش و پرورش این کشور است. ایران در سال ۲۰۱۴ دارای ۱۳ میلیون و ۶۶۳ هزار و ۱۸۵ دانش‌آموز و ۱ میلیون و ۱۳ هزار و ۶۵۵ نفر معلم و کارمند آموزش و پرورش است. این در حالی است که جمعیت این کشور طبق آخرین آمار در سال ۲۰۱۳ در حدود ۷۷ میلیون و ۴۵۰ هزار نفر می‌باشد. لذا می‌توان ادعا کرد به لحاظ هرم سنی جمعیتی جوان است و اکنون دوران طلایی صرف هزینه اقتصادی در آموزش و پرورش می‌باشد. چرا که بخش بیشتری از جمعیتش را تحت تأثیر قرار خواهد داد [۱۱]. با این همه در ایران میزان منابع مالی اختصاص داده شده از سوی دولت به آموزش و پرورش در مقایسه با دیگر کشورها کمتر است (انصاری، ۱۳۸۹).

اگر دولتی به دنبال بازده‌های سریع اقتصادی باشد، هزینه کردن در آموزش و پرورش را مقرون به صرفه نخواهد دانست و اگر دولت به سرمایه‌گذاری بلندمدت با بازده بسیار بیشتر توجه داشته باشد درصد بیشتری از بودجه را صرف آموزش و پرورش خواهد کرد. البته بدیهی است که صحبت راجع به نحوه صرف کردن بودجه به این راحتی نیست و همواره باید موانع را در نظر داشت، آن هم در مورد کشور ایران که اکنون بعد از گذر از دوران تحریم‌های اقتصادی، اقتصادش در حال گذار به دوران پسا تحریم است [۱۱].

یکی از پرسش‌های اساسی مطرح در مورد آموزش و پرورش این است که آیا صرف کردن منابع مالی در آموزش و پرورش به هزینه نزدیک است یا به سرمایه‌گذاری؟ و اساساً نگاه دولت‌ها نسبت به امر آموزش و پرورش چیست و از این نهاد چه انتظاری دارند؟ نتایج اقتصادی منافع آموزش و پرورش در ابعاد فردی، اجتماعی و سازمانی چیست؟ نتایج غیراقتصادی منافع آموزش و پرورش در ابعاد سازمانی، فردی، اجتماعی و بین‌المللی چیست؟

اقتصاد آموزش و پرورش

اقتصاد آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین شاخه‌های علم اقتصاد است و تقریباً، تمامی اصطلاحات، ضوابط و روش‌های تحقیق که در تحلیل پدیده‌های اقتصادی به کار می‌روند، به صورت مشابه در مطالعات وابسته به اقتصاد آموزش و پرورش نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. در دهه ۱۹۶۰، تیودور شولتز علم اقتصاد آموزش و پرورش را ترویج داد و معتقد بود که مردم به عنوان تولیدکننده و مصرف‌کننده بر روی خود سرمایه‌گذاری می‌کنند تا به این ترتیب توانایی‌های خود را افزایش دهند. بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی نیز آموزش است. در

حالی که زمانی ارتباط بین آموزش و بهره‌وری تولید تنها یک فرض به شمار می‌رفت، امروزه، ما دلایل کافی برای اثبات این قضیه در دست داریم. اقتصاد جهان متحمل تغییراتی شده که سرمایه انسانی را در مرکز توسعه اقتصادی قرار داده است. تغییرات تکنولوژیک و جهانی شدن، ظرفیت سرمایه انسانی را برای کسب دانش فنی بیشتر و پاسخ سریع به تغییرات افزایش داده است. مطالعاتی که در دهه ۱۹۶۰ میلادی درباره جنبه‌های اقتصادی نظام‌های آموزشی انجام گرفت، از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زمانی که تعدادی از اقتصاددانان ایده ارتباط منابع انسانی با رشد اقتصادی و کیفیت زندگی را مطرح کردند؛ امری که موجب توجه ویژه به آموزش گردید. هر چند سرمایه فیزیکی مانند زمین، ساختمان، کارخانه‌ها و غیره برای توسعه اقتصادی ضروری هستند؛ اما، منابعی منفعل هستند. در مقابل، منابع انسانی فعالند و محرک همه فعالیت‌های انسانی هستند که در کل منجر به رفاه انسان‌ها و پیشرفت یک کشور می‌شوند.

اقتصاد آموزش و پرورش شاخه مهمی از اقتصاد نظری است و می‌تواند به صورت‌های مختلفی تعریف شود. برای مثال، اقتصاد آموزش و پرورش، نحوه تخصیص منابع به فعالیت‌ها و مؤسسات آموزشی، و نیز بررسی فواید و نتایج حاصل از آن به افراد و جامعه را مورد مطالعه قرار می‌دهد. این رشته علمی‌همچنین، مطالعه اقتصاد منابع انسانی و برنامه ریزی آموزشی مورد نیاز اهداف ویژه اقتصادی مرتبط با سرمایه گذاری، منابع و مصارف سیستم‌های آموزشی و رشد اقتصادی را در برمی‌گیرد. اساساً از یک سو به تحلیل ارزش اقتصادی آموزش و از سوی دیگر، به جنبه‌های اقتصادی سیستم‌های آموزشی می‌پردازد. همچنین، به تأثیرات آموزشی برخی پدیده‌ها مانند ساختار شغلی نیروی کار، استخدام و روش‌های ارتقای مدیریت، مهاجرت داخلی و بین‌المللی نیروی کار، الگوهای تجارت بین‌الملل، توزیع درآمد افراد، میل به پس‌انداز درآمد جاری و از همه مهم‌تر دورنمای رشد اقتصادی توجه دارد. بنا بر این، اقتصاد آموزش و پرورش می‌تواند به صورت «بررسی نحوه انتخاب انسان و جامعه، با یا بدون استفاده از پول، در به کارگیری منابع تولیدی کمیاب، مهارت‌ها، ایده‌ها، نهادها، در آموزش رسمی در یک دوره زمانی معین، و توزیع آن‌ها در حال و آینده، در میان افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی تعریف شود.

نقش آموزش و پرورش در ساختن و توسعه آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور اساسی است. امروز از عوامل پایین بودن سطح رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه چالش‌ها و کمبود هزینه‌های آموزشی و نادیده گرفتن تأثیر آموزش و تربیت نیروی انسانی است. بحث اقتصاد یکی از پراهمیت‌ترین ابعاد آموزش و پرورش است که به جد، تحولی بنیادین نیاز دارد؛ بنابراین مهم است تأثیراتی که آموزش و پرورش، مدرسه و معلمان بر مقوله مهم اقتصاد و منابع مالی دارند مورد تحلیل و بررسی قرارگیرد. در فصل دوم سند تحول بنیادین تحت عنوان بیانیه ارزش‌ها (در مورد چهارم) تربیت اقتصادی را یکی از عوامل موجود در فرایند تعلیم و تربیت خوانده و تأکید کرده است که باید با توجه به اسلام و ارزش‌ها و... باشد و همچنین در فصل ششم تحت عنوان راهبردهای کلان در گزینه پنجم تقویت و نهادینه سازی، مشارکت اثر بخش نهادهای اقتصادی را در کنار دیگر نهادها مورد هدف قرار داده است، اما در بخش راهکارها به زعم محققین کمتر به این موضوع پرداخته است [۱۲]. همواره آموزش به عنوان مهمترین منبع خلق سرمایه انسانی در ادبیات توسعه اقتصادی مطرح بوده است و به همین دلیل بعد از جنگ جهانی دوم، کشورها به سرمایه‌گذاری در آموزش روی آوردند تا بتوانند از طریق خلق سرمایه انسانی و افزایش کارایی آن توسعه اقتصادی را برای خود به ارمغان بیاورند.

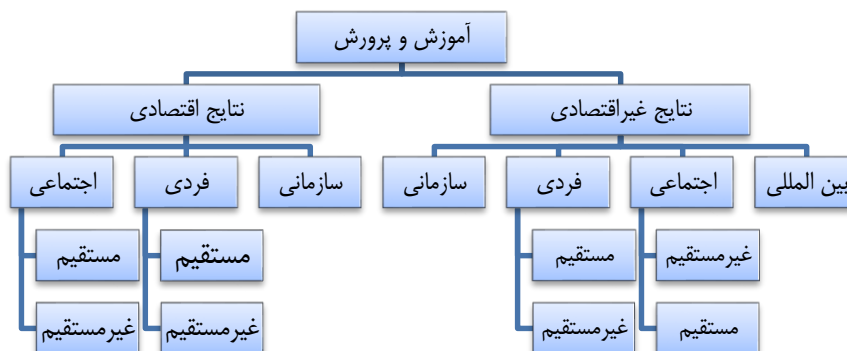
در این دهه اهمیت آموزش به اندازه‌ای بالا رفت که موضوع جدیدی تحت عنوان اقتصاد آموزش پدید آمد و به یک مفهوم مستقل در علم اقتصاد تبدیل شد. اهمیت آموزش به اندازه‌ای است که بدون انجام سرمایه‌گذاری‌های کافی روی آن، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پایدار محقق نمی‌شود. آموزش از طریق افزایش مهارت، دانش و توانایی‌اش خاص منجر به افزایش بهره‌وری نیروی کار می‌شود. به طور کلی، آموزش از طریق قدرت خلاقیت سازندگی، اصلاح و توسعه مهارت و ظرفیت‌های تولیدی نیروی انسانی به رشد اقتصادی کمک می‌کند. مهمترین دستگاه متولی آموزش نیروی انسانی، وزارت آموزش و پرورش است که دستیابی به این مهم از طریق تلاش مستمر و هدفمند معلمان، به عنوان سرمایه‌های اجتماعی میسر خواهد بود. بدون تردید می‌توان گفت یکی از محورهای اصلی رشد و توسعه اقتصادی، آموزش و پرورش است. حتی برخی عقیده دارند که تکامل این بخش است که موجب تکامل سایر بخش‌ها می‌گردد. رشد اقتصادی علاوه بر عوامل تولید (کار و سرمایه) به بهبود کیفیت نیروی کار، پیشرفت فنی در تکنولوژی، صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس، تخصیص مطلوب‌تر منابع و نهایتاً به آموزش و پرورش نیز بستگی دارد.

بی شک اجرای برنامه‌های توسعه نیازمند بکارگیری نیروی آموزش دیده و افراد متخصص و تحصیل کرده است و نیروهای آموزش دیده بوجود جوانان با استعداد و با توان بستگی دارد و نقش آموزش و پرورش در این میان، کشف این استعدادها و نیز بارور نمودن آن‌ها است. آموزش و پرورش ضمن بهره‌گیری مناسب از هوش و استعداد افراد انسانی زمینه را برای رشد و توسعه کشور فراهم می‌آورد و البته روشن است که آموزش نیروهای متخصص ورزیده، نیاز به کادر آموزشی مجرب و استادان کارآمد دارد. لذا نظام آموزش می‌تواند با جذب اساتید و معلمان لایق و با کفایت به امر آموزش، نیروی انسانی مورد نیاز برنامه توسعه بپردازد. بنا براین آموزش و پرورش باعث شکوفایی استعدادها و ارتقاء کیفیت نیروی انسانی می‌گردد و افزایش کیفیت نیروی انسانی موجب افزایش بهره‌وری و تسریع رشد اقتصادی می‌شود. آموزش و پرورش از با ثبات‌ترین بخش‌های اقتصادی هر جامعه محسوب می‌شود. درحالی که سایر بخشهای اقتصادی غالباً با رکود و رونق مواجه می‌شوند. بنابراین

آموزش و پرورش بدلیل برخورداری از ثبات و تعادل بیشتر می‌تواند در هنگام رکود اقتصادی و بیکاری، نیروی کار را جذب کرده و با آموزش و تجهیز نمودن این نیروها، در هنگام رونق آن‌ها را به جامعه تحویل دهد.

اقتصاد یکی از مؤلفه‌های اصلی و اساسی زندگی امروز است. خصوصاً در سال‌های اخیر که مقام معظم رهبری اولویت اصلی کشور را بحث اقتصاد قرار داده‌اند، شناخت مؤلفه‌های مؤثر بر برنامه‌ریزی استراتژیک برای مدیریت بهینه و اثر بخش منابع مالی اهمیت کاربردی دارد [۱۳]. رمز موفقیت انقلاب صنعتی در کشورهای غربی، در ایجاد مراکز تحقیقاتی و پژوهشی است. اکثر دستاوردهای علمی و تکنولوژی، حاصل کار محققان و پژوهش‌گران می‌باشد. کار تحقیق و پژوهش نیز به عهده آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و سایر مراکز تحقیقاتی است. پس در هر صورت آموزش و پرورش است که کادر تحقیقاتی و پژوهشی را آموزش و تحویل این مراکز می‌دهد و بدلیل نتایج درخشان مراکز تحقیقاتی، بودجه موسسات تحقیقاتی و پژوهشی در اکثر کشورها رشد فزاینده‌ای دارد.

سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و تربیت نیروی انسانی یک سرمایه‌گذاری بلندمدت محسوب می‌شود زیرا از آغاز سرمایه‌گذاری تا موقع بهره‌برداری از آن، زمان زیادی مورد نیاز است ولی سرمایه‌گذاری در امر آموزش و پرورش بویژه برای جوامع در حال توسعه فوق العاده سودآور است. چراکه در رابطه با جنبه‌های گوناگون و حساس نظیر فرهنگ، ظرفیت تولید، توزیع درآمد و رشد جمعیت نقش مهمی را می‌تواند در جریان رشد و توسعه اقتصادی جوامع بازی کند. زیرا در اثر آموزش و پرورش افراد جامعه دارای مهارت و تخصص خاصی می‌شوند که این امر با بحث ارتقاء بهبود ظرفیت تولید افراد و نیز سبب افزایش توانائی نیروی کار آنها می‌شود. به علاوه آموزش و پرورش باعث می‌شود درآمد افراد بدلیل مهارت‌ها و تخصص‌هایی که کسب کرده‌اند در سطح بالاتری قرارگیرد و نتیجتاً از سطح زندگی بهتری برخوردار شوند. بنابراین قابل درک است که آموزش و پرورش می‌تواند به عنوان ابزار و وسیله‌ای مناسب جهت سیاست‌های توزیع مجدد درآمدها به کار رود. یعنی می‌تواند در رابطه با مسئله‌ای کمک‌کننده باشد که معمولاً به عنوان یکی از مشکلات جوامع (توزیع ناعادلانه درآمدها) در حال توسعه در مسیر رشد و توسعه آنها مطرح است. همچنین آموزش و پرورش در اثر ایجاد نظم فکری در افراد سبب افزایش توانائی انتخاب بهتر، افزایش توانائی ابداع و نوآوری و ... می‌گردد و بالاخره از لحاظ روحی سبب تغییر نگرش به زندگی و ایجاد ویا افزایش احساس لذت بردن از زندگی و ... می‌شود. آثار آموزش و پرورش را می‌توان به صورتی که در نمودار شماره ۱ آمده است، خلاصه کرد [۲].



نمودار شماره ۱- آثار آموزش و پرورش

نتایج اقتصادی آثار آموزش و پرورش

در حالی که اقتصاد جامعه، منابعی را برای رسیدن به اهداف آموزشی اعضای خود فراهم می‌کند، سیستم آموزشی به نوبه خود، به جامعه و اقتصاد کمک می‌کند تا به انواع نیازها و سطوح نیروی انسانی مورد نیاز خود در فرآیند تغییرات فرهنگی- اجتماعی و مدرنیته‌سازی اقتصاد دست یابد. هم‌چنان که آموزش حرکت اقتصادی و اجتماعی جامعه را تضمین می‌کند، هر فرد به دنبال کسب آموزش بهتر می‌رود و تلاش می‌کند تا دسترسی بیشتری به منابع دانش بشری داشته باشد. در واقع، فشار فزاینده تقاضا برای آموزش، شاخصی است برای نشان دادن ارزش اقتصادی و اجتماعی آموزش. اما هنوز در تعداد زیادی از کشورها اکثریت جمعیت از فواید نظام‌های آموزشی جامعه خود بی‌بهره هستند و تعداد زیادی از مردم بی‌سوادند و طعم میوه دانش را نچشیده‌اند. چنین شرایطی به صورت برابر، هم نتیجه، و هم علت عقب‌ماندگی اقتصادی مردم است، از این رو، پیشرفت آموزشی و بهبود اقتصادی به هم وابسته است. مشاهدات در هند نشان می‌دهد که فقر و بی‌سوادی به شدت با هم در ارتباط هستند و تأثیر بسزایی بر روی همدیگر دارند. به هر حال، آموزش در مناطقی که به موازات اقتصاد پیشرفت نکرده است، نمی‌تواند توسعه یابد. منابع لازم برای توسعه آموزش تنها از طریق حوزه‌های اقتصادی یعنی، صنعت، کشاورزی، حمل و نقل، ارتباطات و بخش‌های دیگر اقتصاد ملی که درآمد ایجاد می‌کنند تأمین می‌شود. به علاوه، سیستم اقتصادی مواد اصلی برای توسعه آموزشی را فراهم کرده و منابع مالی لازم برای ساخت و تجهیز مؤسسات آموزشی را تأمین مالی می‌کند.

هم‌چنان که سطح فعالیت‌های اقتصادی گسترش می‌یابد، درآمد حاصل از گسترش این فعالیت‌ها نیز افزایش می‌یابد و توان نسبی مالی کشور بهبود می‌یابد و در نتیجه، تأمین مالی توسعه و گسترش نظام ملی آموزش امکان‌پذیر می‌شود. از طرف دیگر، توسعه اقتصادی بدون

پیشرفت در آموزش و پژوهش امکان‌پذیر نیست. به این دلیل است که نیروی کار برای افزایش کیفیت و کمیت تولید، به استاندارد بالایی از آموزش‌های متنوع فنی و مدیریتی و شغلی نیاز دارند. اکنون، تقریباً، همه خطوط تولید به نیروی انسانی متخصص مانند مهندسين، کارشناسان فنی، طراحان، مدیران و مجریان نیاز دارند. علاوه بر این، با رشد سریع دانش و تکنولوژی، استانداردهای کارآفرینی کارگران با بهبود روز به روز دانش نحوه و نیازهای متغیر جامعه و اقتصاد افزایش خواهد یافت.

آموزش و پرورش به‌عنوان نهادی است که رسالت مهم آموزش و تربیت نیروی انسانی را به عهده داشته و بیشترین سهم را در توسعه‌یافتگی جوامع دارد. توسعه از نظر صاحب‌نظران علوم اقتصادی و اجتماعی، به‌معنای ارتقا پیوسته جامعه و نظم اجتماعی به‌سوی زندگی بهتر است. اقتصاد ملی از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است که آموزش و پرورش از مهمترین آن است. اقتصاد آموزش و پرورش از دو واژه «اقتصاد» و «آموزش و پرورش» ترکیب شده است. این علم ترکیبی، کاربرد علم اقتصاد در نظام آموزش و پرورش را مورد توجه قرار می‌دهد و آموزش و پرورش را قادر می‌سازد تا ضمن به‌کارگیری منطقی یافته‌های علم اقتصاد، آموزش و پرورش باکیفیت را باقیمت ارزان در اختیار مردم قرار دهد و شرایطی را فراهم می‌سازد تا تربیت‌یافتگان آموزش و پرورش یعنی انسان‌ها، با بهره‌گیری و تأثیر و تأثیری که از «آموزش و پرورش»، «محیط‌زیست»، «بهداشت و تغذیه»، «اشتغال» و آزادی سیاسی و اقتصادی به‌عمل می‌آورند خود را به منابع انسانی و سرمایه انسانی در جامعه تبدیل کنند و بتوانند رفاه و پیشرفت را برای جامعه خود به ارمغان آورده و بستر لازم برای استقرار توسعه در جامعه فراهم آورند. صاحب‌نظران اقتصاد، آموزش و پرورش را شاخه‌ای از علم اقتصاد می‌دانند که کاربرد صحیح منابع را در آموزش و پرورش بررسی می‌کند و به تحقق هدف‌های نظام آموزشی به‌صورتی کارا می‌پردازد [۱۴].

سابقه توجه به آموزش در ادبیات اقتصادی به دوران قبل از آدام اسمیت بر می‌گردد، هر چند که اقتصاد آموزش به عنوان شاخه‌ای مستقل از اوایل دهه ۱۹۶۰ وارد جریان اصلی علم اقتصاد شد. از آن زمان تاکنون دامنه موضوعات تحت بررسی اقتصاد آموزش تنوع و گستردگی بسیاری یافته است [۱۰] در حالی که اقتصاد جامعه، منابعی را برای رسیدن به اهداف آموزشی اعضای خود فراهم می‌کند، سیستم آموزشی به نوبه خود، به جامعه و اقتصاد کمک می‌کند تا به انواع نیازها و سطوح نیروی انسانی مورد نیاز خود در فرآیند تغییرات فرهنگی- اجتماعی و مدرنیزه‌سازی اقتصاد دست یابد. همچنان که آموزش حرکت اقتصادی و اجتماعی جامعه را تضمین می‌کند، هر فرد به دنبال کسب آموزش بهتر می‌رود و تلاش می‌کند تا دسترسی بیشتری به منابع دانش بشری داشته باشد. درواقع، فشار فزاینده تقاضا برای آموزش، شاخصی است برای نشان دادن ارزش اقتصادی و اجتماعی آموزش. اما هنوز در تعداد زیادی از کشورها اکثریت جمعیت از فواید نظام‌های آموزشی جامعه خود بی‌بهره هستند و تعداد زیادی از مردم بی‌سوادند و طعم میوه دانش را نچشیده‌اند. چنین شرایطی به صورت برابر، هم نتیجه و هم علت عقب ماندگی اقتصادی مردم است، از این رو پیشرفت آموزشی و بهبود اقتصادی به هم وابسته است. مشاهدات در هند نشان می‌دهد که فقر و بی‌سوادی به شدت با هم در ارتباط هستند و تأثیر به‌سزایی بر روی همدیگر دارند. به هر حال آموزش در مناطقی که به موازات اقتصاد پیشرفت نکرده است، نمی‌تواند توسعه یابد. منابع لازم برای توسعه آموزش تنها از طریق حوزه‌های اقتصادی یعنی صنعت، کشاورزی، حمل و نقل، ارتباطات و بخش‌های دیگر اقتصاد ملی که درآمد ایجاد می‌کنند تامین می‌شود. به علاوه، سیستم اقتصادی مواد اصلی برای توسعه آموزشی را فراهم کرده و منابع مالی لازم برای ساخت و تجهیز موسسات آموزشی را تامین مالی می‌کند. همچنان که سطح فعالیت‌های اقتصادی گسترش می‌یابد، درآمد حاصل از گسترش این فعالیت‌ها نیز افزایش می‌یابد و توانایی نسبی مالی کشور بهبود می‌یابد و در نتیجه تامین مالی توسعه و گسترش نظام ملی آموزش امکان‌پذیر می‌شود. از طرف دیگر، توسعه اقتصادی بدون پیشرفت در آموزش و پژوهش امکان‌پذیر نیست. به این دلیل است که نیروی کار برای افزایش کیفیت و کمیت تولید، به استاندارد بالایی از آموزش‌های متنوع فنی و مدیریتی و شغلی نیاز دارند. اکنون تقریباً همه خطوط تولید به نیروی انسانی متخصص مانند مهندسين، کارشناسان فنی، طراحان، مدیران و مجریان نیاز دارند. علاوه بر این، با رشد سریع دانش و تکنولوژی، استانداردهای کارآفرینی کارگران با بهبود روز به روز دانش چگونگی و نیازهای متغیر جامعه و اقتصاد افزایش خواهد یافت.

دستیابی به نرخ رشد بالا و مستمر اقتصادی که با نرخ رشد تولید ناخالص اندازه‌گیری می‌شود، هدف کمی‌پیچیده و مبهم بسیاری از کشورهاست. مطالعات انجام گرفته در این زمینه نشان دادند که توضیح نرخ رشد اقتصادی، فقط، از طریق سرمایه فیزیکی و نیروی کار ناکافی است و عاملی دیگر غیر از سرمایه فیزیکی و نیروی کار وجود دارد که رشد اقتصادی را تشدید می‌کند. اقتصاددانان برای درک فرایند رشد، اهمیت نسبی عوامل گوناگون از جمله آموزش را بررسی کرده‌اند. فرض‌های موجود در زمینه‌ی ارتباط میان آموزش و توسعه اقتصادی، همان فرض‌های نظریه سرمایه انسانی است، که براساس آن بهبود در بهداشت عمومی و انگیزه نیروی کار موجب بهبود بهره‌وری نیروی کار می‌شود. بنابراین اگر آموزش موجب ارتقای کیفی افراد گردد، عاملی مؤثر بر رشد اقتصادی شناخته می‌شود. آموزش با بهبود کیفی نیروی کار، سبب کار آموخته‌تر شدن نیروی کار، پیشرفت دانش و فناوری و کارایی سرمایه می‌شود. براساس آمارهای بانک جهانی، مردم کشورهای توسعه یافته از سطح آموزشی بالاتری نسبت به کشورهای در حال توسعه برخوردارند که به نظر کارشناسان اقتصادی، این موضوع امکان توسعه اقتصادی بیشتر را فراهم می‌آورد.

سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش یک عامل کلیدی در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی است. تأمین سرمایه انسانی مستلزم انجام فعالیت‌های آموزشی است. سرمایه‌گذاری آموزشی از یکسو قابلیت‌های نیروی انسانی را ارتقاء می‌بخشد و از سوی دیگر، نیروی کار را برای استفاده بهتر از فناوری جدید تولید می‌سازد و به این ترتیب راه رشد و توسعه اقتصادی را برای کشورها هموار می‌کند [۱۵]. بدون تردید می‌توان گفت یکی از محورهای اصلی رشد و توسعه اقتصادی، آموزش و پرورش است. حتی برخی عقیده دارند که تکامل این بخش است که موجب تکامل سایر بخش‌ها می‌گردد. رشد اقتصادی علاوه بر عوامل تولید (کار و سرمایه) به بهبود کیفیت نیروی کار، پیشرفت فنی در تکنولوژی، صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس، تخصیص مطلوب‌تر منابع و نهایتاً به آموزش و پرورش نیز بستگی دارد. فعالیت نظام آموزشی در کشورهای مختلف به یک جریان عادی و مستمر تبدیل شده است که در سطح خرد و کلان کمتر مورد سؤال قرار می‌گیرد. امروزه اثرات اقتصادی آموزش اهمیت بسیاری یافته است. زیرا اکنون مسلم شده که ارتباط بسیار نزدیکی بین تحصیلات و درآمد افراد وجود دارد. به این معنی که افراد تحصیل‌کرده، در شرایط مساوی، از درآمد بالاتری بهره‌مند می‌شوند. آموزش بیشتر، مهارت‌های بالاتری را در افراد به‌وجود می‌آورد، که این مهارت‌ها موجب تولید کالاها و خدمات بیشتری می‌شود. این فرآیند از سویی ارتقاء درآمد تولیدکننده و رفاه‌کننده و از دیگر سو، تولید ناخالص داخلی بیشتر و تسریع رشد اقتصادی را در پی دارد. نتایج مطالعه محمدی [۱۵] نشان می‌دهد، اثر سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش بر رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه منتخب مثبت و معنادار و پایین بودن هزینه‌های آموزشی و در نتیجه نادیده گرفتن تأثیر آموزش و تربیت نیروی انسانی ماهر، از مهمترین عوامل پایین بودن سطح رشد اقتصادی در کشورهای درحال توسعه است. بنابراین شایسته است که با توجه به جمعیت روزافزون جوان در کشورهای درحال توسعه از یکسو و نیاز مبرم این کشورها به رشد و افزایش تولید از سوی دیگر، توجه جدی به ارتقاء سطح و کیفیت آموزش صورت گیرد.

بر اساس نظریه سرمایه انسانی درباره ارتباط آموزش و توسعه اقتصادی، بهبود بهداشت عمومی، مهارت و انگیزه نیروی کار، موجب بهبود بهره‌وری نیروی کار می‌شود و آموزش با بهبود کیفیت افراد، عاملی موثر در رشد اقتصادی به شمار می‌آید. در یک بررسی درباره منافع آموزش و پرورش دولتی برتون وایزبورد هفت دسته از منافع گسترده‌ای را که می‌توان به آموزش و پرورش نسبت داد، ارائه کرده است [۱]. این منافع عبارتند از:

۱. بازدهی مالی مستقیم؛

۲. امکانات تقلیل زیان؛

۳. بازدهی جدا از بازار؛

۴. منافع مربوط به محل سکونت؛

۵. فواید مربوط به محل اشتغال؛

۶. فواید اجتماعی.

چهار دسته اول از این منافع عاید فرد می‌شوند و سه دسته آخر منفعی هستند که به دیگران می‌رسند. اما اگر بخواهیم این سؤال را مطرح کنیم که فواید اقتصادی آموزش و پرورش کدامند؟ حداقل از سه جنبه متفاوت می‌توان به این پرسش پاسخ داد [۱]:

نخستین فایده اقتصادی آموزش و پرورش در این است که ظرفیت فرد در تولید کالا و خدمات و قدرت ایجاد درآمدی توسط وی را افزایش می‌دهد. هر اندازه فرد و جامعه به میزان بیشتری در آموزش افراد سرمایه‌گذاری نمایند، در حقیقت بیش از پیش در جهت رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور کوشیده‌اند. در عمل مهمترین عاملی که موجب شده تا دولت‌ها در آموزش و پرورش جوانان سرمایه‌گذاری نمایند، این است که آموزش نیروی انسانی، جامعه را توانمند و دانا می‌سازد.

دومین فایده اقتصادی آموزش این است که فردی که به نظام آموزشی و به ویژه دانشگاه راه می‌یابد، با شرکت در کلاس‌ها، سمینارها، سخنرانی‌ها، برخورد با شخصیت‌های بلندپایه علمی، در مجموع رضایت خاطر بسیاری به دست می‌آورد [۸].

سومین فایده اقتصادی آموزش و پرورش در آثار جنبی آن نهفته است. گاهی تولید و مصرف یک کالا یا خدمت، مزایایی برای دیگران، که نه تولیدکننده و نه مصرف‌کننده آن هستند، ایجاد می‌کند. حتی برخی بر این باورند که آثار جنبی آموزش و پرورش نسبت به آثار مستقیم آن از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است. یکی از آثار جانبی آموزش در این است که موجب میشود تا افراد تحصیل‌کرده مشارکت فعال‌تری در حل مسائل اجتماعی داشته و در پیدایش و علمکرد هرچه بهتر یک جامعه دموکراتیک از نقش و سهم بیشتری برخوردار باشند [۷].

عربی و همکاران [۱۱] مطابق با بیست و ششمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش، اهداف اقتصادی آموزش و پرورش در ایران را به شرح ذیل بیان می‌کنند:

— توجه به اهمیت رشد اقتصادی به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به رشد و توسعه اجتماعی؛

— شناخت ارزش و قداست کار و معاش حلال؛

— مهارت بخشی و ایجاد آمادگی و علاقه برای اشتغال مولد در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات؛

– ایجاد روحیه ساده زیستی، قناعت و پرهیز از هر گونه اسراف و مصرفزدگی و تجمل‌گرایی؛

– پرورش روحیه‌ی انفاق و دستگیری از محرومان؛

– تقویت روحیه عمل به احکام اقتصادی اسلام؛

– شناخت حرف و مشاغل مولد برای درآمد ملی، رفع بیکاری و وابستگی اقتصادی؛

– تقویت روحیه مبارزه با بهره‌کشی اقتصادی و مشاغل خلاف مصالح جامعه اسلامی؛

– شناخت منابع اقتصادی کشور و شیوه‌های صحیح استفاده از آن‌ها و پرورش روحیه حراست از اموال عمومی و ثروت ملی.

همانطور که مشاهده می‌گردد اهداف آموزش و پرورش ایران بیشتر گرایش به سمت احکام اسلامی دارد و رویکرد دینی جامعه به وضوح در تبیین اهداف اقتصادی این کشور آشکار است. ساسانی و داودی [۴] فواید اقتصاد آموزش و پرورش را به شرح ذیل بیان می‌نمایند:

۱. بهره‌گیری از منابع کمیاب: اقتصاد آموزش و پرورش کمک می‌کند که از منابع و امکانات موجود مانند وقت معلمان و دانش آموزان، فضا، تأسیسات و تجهیزات آموزشی و... حداکثر بهره‌کسب شود و راه‌های دیگری را که می‌توان از طریق آن‌ها امکانات بیشتری را به نظام آموزشی اختصاص داد، جستجو می‌نماید.

۲. ابزاری برای برنامه‌ریزی: اقتصاد آموزش و پرورش به محاسبه‌ی هزینه‌ها و منافع حاصل از آموزش در رشته‌ها و مقاطع تحصیلی متفاوت می‌پردازد و از این طریق به دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی‌های آموزشی کمک می‌کند تا بدانند در کدامین قسمت باید سرمایه‌گذاری بیشتری انجام دهند. این دانش، برنامه‌ریزی نیروی انسانی را نیز از راه محاسبات آسان می‌نماید.

۳. جامعه را با تحولات سریع صنعت و رشد فناوری همگام می‌کند: به دلیل گسترش فناوری و صنعت در جوامع و پیدایش مشاغل و تخصص‌های جدید، به نیروی انسانی آموزش دیده نیاز است؛ لذا اقتصاد آموزش و پرورش با مهیا کردن نیروی انسانی متخصص در حوزه‌های مختلف به رشد بیش از پیش جوامع کمک می‌کند.

به طور کلی اقتصاد آموزش و پرورش به دنبال این است که در مد و ثروم ملی در میان افراد جامعه به صورت عادلانه‌تری توزیع و تقسیم شود و همگان بتوانند از آموزش‌های لازم در زمینه‌ی کاری خود برخوردار گردند و از این طریق درآمد خود و جامعه را افزون کنند.

نتایج غیراقتصادی آثار آموزش و پرورش

امروزه آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد اجتماعی که وظیفه تعلیم و تربیت افراد جامعه را برعهده دارد از سوی آحاد جامعه اعم از مردم، مسئولین و اندیشمندان مورد توجه و تأکید قرار گرفته و همگی براین باور هستند که رشد و توسعه یک کشور به پرورش انسان‌های آگاه و برخوردار از مسئولیت بستگی دارد، چیزی که در ادبیات توسعه به عنوان توسعه انسانی مطرح است؛ بنابراین نقش آموزش و پرورش در ساختن انسان‌های آگاه و پویا بر هیچ صاحب‌نظری پوشیده نیست و همگی بر تأثیر بی‌بدیل آموزش و پرورش متفق القول هستند. اهمیت آموزش و پرورش به واسطه کارکردهایی است که برعهده دارد و این کارکردها هم از جنبه فردی و هم از جنبه اجتماعی قابل بررسی است. تاکنون اندیشمندان مختلفی، آموزش و پرورش را از زوایای مختلف مورد مطالعه قرار داده‌اند؛ جامعه‌شناسان نیز آموزش و پرورش و کارکردهای آن را نیز از دیدگاه جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار و کارکردهایی از قبیل جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری، نظارت اجتماعی، انسجام و یگانگی اجتماعی، نوآوری و تغییرات و... برای آن در نظر گرفته‌اند [۱۶]. سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی در کشورهای در حال توسعه از سال ۱۳۹۶ به بعد اهمیت و جایگاه خاصی پیدا کرده است و آموزش و پرورش نقش محوری در توسعه اقتصادی جوامع در حال رشد را به خود اختصاص داده است. به طوری که سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش به عنوان رکن اساسی توسعه مورد توجه خاص تمامی این کشورها بوده است. در این میان محاسبه منابع اقتصادی آموزش و پرورش و همچنین منابع آموزش سرمایه انسانی در حال اشتغال توجه صاحب‌نظران علم اقتصاد و متخصصان عرصه تعلیم و تربیت را به خود جلب نموده است. آن‌ها خواسته‌اند بدانند که اساساً آموزش و پرورش چه منافعی دارد آیا آموزش و پرورش منافع اقتصادی دارد/ و این منافع قابل احصا هستند و اگر منافعی دارد این منافع کدام‌ها هستند. براساس نتایج بدست آمده از تحقیقات صورت گرفته در این زمینه، تنها می‌توان از تحقیقات تجربی مبتنی بر نظرات دانشمندان علم اقتصاد و متخصصان عرصه تعلیم و تربیت منابع آموزش و پرورش را طبقه‌بندی و احصا نمود اما محاسبه دقیق منافع آموزش و پرورش بسیار سخت و دشوار است. با این همه آموزش و پرورش دارای منافع اقتصادی پولی فردی، اجتماعی، سازمانی و غیر اقتصادی غیر پولی سازمانی، فردی، اجتماعی، بین‌المللی و همچنین در یک طبقه‌بندی دیگر دارای منافع مستقیم و غیرمستقیم می‌باشد. در زمینه منافع آموزش و بهسازی سرمایه انسانی نیز می‌توان اذعان کرد که میانگین اعتبارات این بخش در شرکت‌های تولیدی و حتی حکومت‌ها خصوصاً در بعد نظامی بین ۴ تا ۵ درصد کل اعتبارات سازمان‌ها و شرکت‌ها می‌باشد و نرخ بازگشت آن در برابر یک دلار هزینه برای آموزش بعضاً در شرکت‌هایی مانند بویینک ۲۵۰ دلار بوده است [۱۷]. دستگاه آموزش و پرورش به عنوان یکی از بزرگترین و همگانی‌ترین نهادهای اجتماعی، چیزی جزء یک نظام کلان تصمیم‌گیرنده، برنامه‌ریز و مجری نیست که مجموع تلاش خود را به رشد و تعالی انسان‌ها معطوف می‌سازد. شاید از وقتی که دولت‌ها در قالب تشکیلاتی منظم، نقش فراگیرتری در فرآیند آموزش و پرورش برعهده گرفتند، مسائل مالی و

اقتصادی آموزش و پرورش به صورت روشن تر و جدی تر مطرح گردید. آموزش به دو طریق رسمی (مدارس و دانشگاه‌ها) و غیررسمی (رادیو، روزنامه و...) ارائه می‌گردد. در همه کشورها آموزش و پرورش ازسوی دوبرخش خصوصی و عمومی (دولت) حمایت می‌شود [۱۸].

در حالی که نظریه سرمایه انسانی آموزش و پرورش را مانند سطوح پایین‌تر آموزش، عاملی برای افزایش توانمندی تولیدی و بهره‌وری می‌داند، اما در مقابل، نظریه فیلتر این ارتباط را نامعتبر می‌داند و آن را انکار می‌کند. نظریه اول، آموزش را به مثابه سرمایه‌گذاری تلقی می‌کند که پیامدش ارتقای بهره‌وری افراد است، اما در نقطه مقابل، نظریه دوم آموزش را بر توان تولیدی نیروی کار موثر نمی‌داند [۱۹]. مهمترین رکن هر نظامی را نیروی انسانی تشکیل می‌دهد که می‌تواند کشور را به سوی اهداف توسعه هدایت کند، استفاده صحیح از نیروی انسانی به مثابه ارزشمندترین و بزرگترین ثروت هر جامعه به صورت مسئله‌ای حائز اهمیت مورد توجه دولت‌ها بوده است، به عبارت دیگر می‌توان گفت که انسان هم هدف توسعه و هم عامل آن محسوب می‌شود و تحقق اهداف توسعه تا حد قابل توجهی به نحوه اداره و مدیریت این ثروت و منبع حیاتی بستگی یافته است. عوامل بی‌شماری بر بهره‌وری نیروی انسانی مؤثر بوده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از [۲۰]: انگیزش، آموزش، ارتباط نیروی انسانی با مدیریت، محیط کار، مدیریت.

به آثار غیر پولی آموزش و پرورش، منافع مصرفی و بازده غیر مالی آموزش و پرورش نیز گفته می‌شود. این‌ها نتایجی است که فرد در نتیجه آموزش برای همه عمر از آن برخوردار می‌شود در حالی که بازده‌های مستقیم پولی دربر ندارد. ابعاد این بازده بسیار گسترده‌تر از بازده پولی است. بر اساس پژوهش‌های انجام شده در سه دهه آخر قرن بیستم، تربیت سهم قابل توجهی در فعالیت‌های غیر بازاری دارد. فعالیت‌هایی مثل حفظ بهداشت و تندرستی خانواده، پس‌انداز بیشتر، پیشرفت تحصیلی فرزندان، ترتیب دادن یک دوره خوب پیش دبستانی و آمادگی برای فرزندان، اثربخش بودن بیشتر خریده‌های مخصوص خانه و رفتار صحیح و رعایت قانون، معرف اصل منافع مصرفی آموزش و پرورش است که الزاما شامل نفعی که از درآمد بالاتر فردی ناشی شده، نمی‌شود [۲]. رسیدن به اهداف سازمان بستگی به توانایی کارکنان در انجام وظایف محوله و انطباق با محیط متغیر دارد. اجرای آموزش و بهسازی نیروی انسانی سبب می‌شود تا افراد بتوانند متناسب با تغییرات سازمانی و محیطی، به طور مؤثر فعالیت‌هایشان را ادامه داده و بر کارایی خود بیفزایند.

منافع مستقیم آموزش عبارت است از افزایش بهره‌وری کار ناشی از آموزش یک دوره تحصیلی که موجب افزایش درآمد ملی جامعه می‌گردد. منافع غیرمستقیم آموزش عبارت است از میزان استفاده دیگران از فرد آموزش دیده و تأثیر در بهره‌وری کار آن‌ها و نیز تأثیر آن در بیداری استعدادها، نوآوری و ابتکار و اثر آن در کاهش تضادهای سیاسی و اجتماعی. ضمناً آموزش علاوه بر افزایش درآمد افراد موجب افزایش مطلوبیت و رضایت معنوی آن‌ها می‌گردد که به منافع غیراقتصادی فردی آموزش موسوم است [۳].

روشن است که جدا ساختن آثار غیر اقتصادی و اقتصادی، و نتایج فردی و اجتماعی صرفاً به منظور ارائه یک بحث نظری ساده برای کمک به درک موضوع است. در عمل، این آثار و نتایج آنچنان به یکدیگر گره خورده‌اند که امکان تشخیص آن‌ها از یکدیگر بدون توجه به نگرش‌های علی، وجود ندارد. برای مثال، افزایش سطح درآمد فرد در نتیجه کسب تحصیلات بیشتر جزو آثار پولی است. در حالی که همین امر ممکن است باعث دستیابی آسان‌تر و گسترده‌تر فرد به رسانه‌های ارتباطی مثل رادیو، تلویزیون، سینما، نشریات و مانند این‌ها شود و در نتیجه، شاخص‌های توسعه فرهنگی را ارتقا بخشد. از آن سو می‌توان از فرد آموزش دیده انتظار داشت که شهروندی متشخص برای جامعه خود باشد. برای مثال، از یک شهروند رشد یافته انتظار می‌رود که حریم حقوقی سایرین را محترم بشمارد. در تقسیم بندی، این نتیجه جزو آثار غیرپولی آموزش و پرورش شمرده می‌شود، در حالی که واجد آثار پولی نیز هست؛ مانند این‌ها که در صورتی که افراد به حریم حقوقی یکدیگر تجاوز نکنند، انجام بسیاری از هزینه‌هایی که در غیر این صورت به خاطر لزوم دخالت نیروهای انتظامی و دستگاه‌های قضایی و حقوقی ایجاد می‌شود، ضرورتی نخواهد داشت. تفکیک نتایج حاصل از آموزش و پرورش برای فرد و جامعه نیز عملاً مشکل است. به طور الاصله، توسعه آموزش و پرورش و بهبود مراقبت‌های بهداشتی، دو نوع تأثیر بر قابلیت‌های انسانی و کیفیت زندگی دارند که عبارتند از [۴]:

۱. تأثیر مستقیم، انسان‌ها را قادر به انجام کارهایی می‌سازد که بدون وجود آموزش و پرورش و بهداشت، توان انجام دادن آن‌ها را نداشتند.

۲. تأثیر غیرمستقیم، میان تولید و درآمد افراد را افزایش می‌دهد و به این ترتیب با پرورش قابلیت‌های افراد آن‌ها را قادر به انجام کارهایی می‌سازد که در غیر این صورت هرگز توانایی آن را نداشتند.

منافع حاصل از سرمایه‌گذاری در آموزش به صورت مستقیم و غیرمستقیم هم عاید فرد می‌شود و هم عاید جامعه. منافعی که به طور مستقیم عاید فرد می‌شود به صورت حقوق و کسب درآمد اضافه نمود می‌یابد. منافعی که به طور غیر مستقیم عاید فرد می‌شود عبارتند از کاهش میزان جرایم در میان افراد تحصیل کرده، بالا رفتن سطح بهداشت و سلامت فرد، بالا رفتن سطح فرهنگ، تربیت مطلوب فرزندان، استفاده‌ی بهینه از اوقات فراغت و مدیریت شایسته‌ی خانواده. منافعی که به طور مستقیم عاید جامعه می‌شود به صورت افزایش بهره‌وری افراد نمود می‌یابد که این افزایش بهره‌وری به نوبه‌ی خود سبب بالا رفتن ثروت ملی جامعه می‌شود. منافعی که به طور غیرمستقیم به جامعه می‌رسند عبارتند از کاهش هزینه‌های بهداشتی، کاهش هزینه‌های جرایم، کاهش هزینه‌های ناشی از مهار جمعیت و ... باید به خاطر داشت که تفاوت درآمدها میان افراد با تحصیلات بیشتر نسبت به کسانی که از تحصیلات کمتری برخوردارند همیشه ناشی از تأثیر آموزش نیست؛

بلکه ممکن است ناشی از تفاوت استعدادها، زمینه‌های اجتماعی، انگیزه، جنس، نوع شغل، آموزش‌های نیمه‌رسمی و رسمی افراد باشد
[۲۳][۲۲][۲۱][۲].

نتایج تحقیق

سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و تربیت نیروی انسانی یک سرمایه‌گذاری بلندمدت محسوب می‌شود؛ زیرا تا زمان بهره برداری، مدت زمان زیادی لازم است. در هر صورت سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش از جنبه‌های زیادی سود آور است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. نگرش‌های سنتی و خرافی جای خود را به نگرش‌های علمی می‌دهند.
 ۲. به افراد کمک می‌کند تا افکار خود را سامان دهند و بتوانند به انتخاب‌های بهتر بپردازند.
 ۳. موجب افزایش توانایی افراد در ابداعات و نوآوری‌ها می‌شود.
 ۴. به لحاظ روحی و روانی موجب تغییر نگرش به زندگی می‌شود.
 ۵. شرایط فرهنگی جامعه را بهبود می‌بخشد و به کاهش و کنترل رشد جمعیت کمک می‌کند.
- توجه به آموزش و پرورش اثرات مثبتی در اقتصاد کشور بر جای خواهد گذارد:
۱. کاهش میزان باروری- فرزند کمتر زندگی بهتر (کاهش هزینه‌های اولیه- ثانویه)
 ۲. کاهش هزینه‌های بهداشت و درمان.
 ۳. افزایش نرخ سرمایه‌گذاری و پس انداز (کم شدن رشد نقدینگی، استفاده از سرمایه‌های اندک در توسعه اقتصادی).
 ۴. توجه به اقتصاد خانوار.

از نظر اقتصادی، زمانی که آموزش و پرورش پس از طی یک دوره‌ی طولانی آموزشی یک صنعت کار یا یک مخترع عالی تحویل جامعه می‌دهد، تمامی هزینه‌های صورت گرفته به منظور تربیت نیروی انسانی جبران می‌شود. در واقع، نوآوری موجب توسعه‌ی اقتصادی می‌شود. هرچه نوآوری‌ها بیشتر باشد، آهنگ رشد اقتصادی جامعه بیشتر می‌شود. هرچه رشد اقتصادی بیشتر شود، منابع و امکانات بیشتری به نظام آموزشی و مدارس تخصیص می‌یابد و باز این منابع در جهت تربیت نیروی انسانی کارآمد به کار گرفته خواهند شد و این چرخه به همین صورت ادامه می‌یابد. لذا تقویت و ترویج فرهنگ و روحیه‌ی پژوهشی در میان افراد جامعه خصوصاً جوانان موجبات کشفیات علمی را در زمینه‌های صنعتی، پزشکی، آموزشی و... بیش از پیش فراهم می‌آورد و در نهایت به رشد اقتصادی می‌انجامد.

به عبارت دیگر سرمایه‌گذاری در سرمایه‌انسانی هنگامی به رشد اقتصادی بیشتر می‌انجامد که در پاسخ به نیازهای روز افزون اقتصاد برای استفاده از آخرین دستاوردهای علمی در تولید صورت گرفته باشد. اما باید در نظر داشت که بنگاه‌های آموزشی که در معرض رقابت داخلی و خارجی قرار ندارند، اصولاً نیازی به تلاش برای اصلاح و بکارگیری آخرین روش‌های تولید احساس نمی‌کنند و بدون چنین تلاش‌هایی نیز می‌توانند به بقا و تامین اهداف خود دست یابند.

منابع

- [۱] مقیمی فیروزآباد، معصومه (۱۳۹۴). تبیین نقش آموزش و پرورش در رشد اقتصادی، راهبرد توسعه، شماره ۴۶، ۳۷-۷۴.
- [۲] متوسلی، محمود و آهنگیان، محمدرضا، ۱۳۸۱. اقتصاد آموزش و پرورش، چاپ دوم و نهم، تهران: انتشارات سمت.
- [۳] لشکری، محمد (۱۳۸۹). تخمین تاثیر آموزش و تجربه بر درآمد فردی، مجله دانش و توسعه، سال هفدهم، شماره ۳۳، ۲۱۴-۲۴۶.
- [۴] ساسانی، شهرام و داودی، رسول (۱۳۹۷). منافع آموزش و پرورش، پنجمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری، تهران، انجمن مدیریت ایران.
- [5] Becker. Gary. (2014). Human Capital. Columbia university pres. New York.
- [6] Solow. R.M., (2012). Technical change and the Aggregate production function the Review of Economic. ND Statistics ,
- [7] Roomer, D., (2012). Advanced Macroeconomic. 2ed Edition. MCGrow-Hill.
- [8] Solow R.M. (2014). Human Capital and Growth Production Function the Review Of Economies ND. Statistics.
- [۹] فتحی‌وارجاگاه، کوروش، ۱۳۸۱. راهنمای کاربرد تحلیل هزینه - منفعت در برنامه ریزی آموزشی، نوشته مورین وودهاال، انتشارات آبیژ.
- [۱۰] نادری، ابوالقاسم (۱۳۹۳). ارزیابی نرخ بازده آموزش: مسایل، چالش‌ها و چشم‌اندازها، تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۹، شماره ۲، ۴۶۱-۴۲۹.
- [۱۱] عربی، پوریا؛ قشقایی، ریحانه و ربانی‌فرویدی، علی (۱۳۹۵). توسعه اقتصادی آموزش و پرورش با تاکید بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران، ششمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و علوم مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان.
- [۱۲] تقی‌پور، احمدرضا و کاویانی، امینه (۱۳۹۷). نهادینه سازی منابع مالی و ارائه راهکارهایی جهت مدیریت بهینه منابع بر اساس سند تحول بنیادین، اولین همایش ملی اقتصاد آموزش و پرورش: مدیریت منابع انسانی و مالی (چالش‌ها، مسائل و راه کارها) با تاکید بر تحقق سند تحول بنیادین، دانشگاه علامه طباطبائی.
- [۱۳] قاسمزاده، منوچهر و نویدادهم، مهدی (۱۳۹۷). مولفه‌های مؤثر بر مدیریت بهینه و اثر بخش منابع مالی با رویکرد اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش، اولین همایش ملی اقتصاد آموزش و پرورش: مدیریت منابع انسانی و مالی (چالش‌ها، مسائل و راه کارها) با تاکید بر تحقق سند تحول بنیادین، دانشگاه علامه طباطبائی.
- [۱۴] طاهری، قدرت؛ شیخی، سعید و صفری، معصومه (۱۳۹۷). اقتصاد آموزش و پرورش با تکیه بر حساب‌های ملی، اولین همایش ملی اقتصاد آموزش و پرورش: مدیریت منابع انسانی و مالی (چالش‌ها، مسائل و راه کارها) با تاکید بر تحقق سند تحول بنیادین، دانشگاه علامه طباطبائی.
- [۱۵] محمدی، علیرضا (۱۳۸۵). بررسی نقش آموزش در رشد اقتصادی مورد استان فارس، فصلنامه تعلیم و تربیت، دوره ۲۲، شماره ۴ (مسلسل ۸۸)، ۵۷-۸۴.
- [۱۶] محمدی، توفیق و گودرزی، ماندانا (۱۳۹۵). نقش آموزش و پرورش در توسعه اقتصادی واجتماعی، هفتمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، شرکت همایشگران مهر اشراق.
- [۱۷] سمندری، لطفاله و داودی، رسول (۱۳۹۶). منافع آموزش و پرورش و آموزش و بهسازی سرمایه انسانی، چهارمین کنفرانس ملی اقتصاد، مدیریت و فرهنگ ایرانی اسلامی.
- [۱۸] کاظمی، عباس (۱۳۸۹). بررسی اثرات سیاست‌های پولی و مالی دولت بر بهره‌وری و بازدهی آموزشی آموزش و پرورش، پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه پیام نور، استان البرز.

[۱۹] مهربانی، وحید (۱۳۹۵). اثر آموزش عالی بر بهره‌وری صنایع ایران: مقایسه دو نظریه سرمایه انسانی و فیلتر، پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۱۶، شماره ۶۲ - شماره پیاپی ۳، پاییز ۱۳۹۵، ۱۵۸-۱۳۷.

[۲۰] برومند، نادر (۱۳۹۱). نقش آموزش در توانمندسازی سرمایه انسانی سازمان‌ها، دومین همایش ملی آسیب شناسی آموزش سازمانی با رویکرد کاربردی مبتنی بر تجربیات اجرایی در سازمان‌ها، تهران، موسسه آفاق صنعت.

[۲۱] شکری، مصطفی؛ کریمی‌فر، گودرز؛ اسماعیل‌زاده، حسن و طهماسبی‌فر، فاطمه (۱۳۹۷). سرمایه گذاری در آموزش و پرورش و تأثیر آن بر رشد اقتصادی ایران (رویکرد فازی)، اولین همایش ملی اقتصاد آموزش و پرورش: مدیریت منابع انسانی و مالی (چالش‌ها، مسائل و راه‌کارها) با تأکید بر تحقق سند تحول بنیادین، دانشگاه علامه طباطبائی.

[۲۲] هوشمند، محمود؛ حسن‌نژاد، حسین و قزلباش، اعظم (۱۳۹۳). سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و تأثیر آن بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه برگزیده، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال ششم، شماره اول، ۸۵-۱۰۶.

[23] Emadzadeh, M. (2006), Training and Nurture Economics, 10th Edition, Esfahan, Jahad Daneshgahi Publication (in Persian).